



کهن‌گرایی واژگانی در غزل‌های سیمین بهبهانی

فرشته فتحی^۱

چکیده

غنای ادبیات سنتی هنوز هم در لفظ و محتوا بر ادبیات امروز تأثیرگذار است. در شعر برخی از نوگرایان معاصر، تأثیرپذیری از ادبیات گذشته ایران، به صورت کهن‌گرایی صورت گرفته است. این نوع تأثیرپذیری که در نظریه‌های ادبی معاصر آن را هنجارگریزی زمانی یا باستان‌گرایی (Archaism) می‌گویند، در غزل‌های سیمین بهبهانی به خوبی هویدا است. این پژوهش وجوه کهن‌گرایی واژگانی را در غزل‌های سیمین بهبهانی با روشی توصیفی-تحلیلی بررسی کرده است. دستاورد آن نشان می‌دهد که کهن‌گرایی واژگانی در غزلیات سیمین بهبهانی نمود بسیار دارد که از مهم‌ترین مصادیق آن: ۱. واژه‌های عام، ۲. واژگان درباری، دیوانی و نظامی، ۳. اصطلاحات موسیقی، ۴. اصطلاحات باده‌گساری، ۵. اصطلاحات و اسامی خاص مربوط به اساطیر و تاریخ کهن ایران، ۶. ترکیب‌های کهن، ۷. کهن‌گرایی در فعل (فعل ساده، فعل پیشوندی، فعل مرکب، فعل دعایی، ریخت کوتاه‌شده فعل‌ها، «میم» نفی فعل، و «باء» تأکید فعل)، ۸. اصوات کهن، و ۹. کهن‌گرایی در استفاده از حروف، قابل اشاره است. فرایند کهن‌گرایی واژگانی در غزل‌های سیمین بهبهانی، به نحوی متبحرانه اجرا شده، آن گونه که بخشی از مفاهیم و اندیشه‌های این شاعر از طریق واژگان دیرین زبان فاسی به مخاطب منتقل شده است، بدون آن که دریافت شعر او را برای مخاطب دشوار کرده باشد. این کهن‌گرایی در کنار دیگر شاخصه‌های شعر سیمین بهبهانی، موجب شده است که سروده‌های او از سبکی شخصی و انحصاری برخوردار باشد.

کلیدواژه‌ها

سیمین بهبهانی، غزل نو، کهن‌گرایی واژگانی.

۱. دانش‌آموخته کارشناسی‌ارشد زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران.

۱. مقدمه

غزل، از قوالب قدیمی شعر فارسی، همواره در ادوار گوناگون، با تحول در سبک و محتوا همراه بوده است. در دوره مشروطه نیز، این قالب دستخوش دگرگونی در سبک و محتوا بود و شاعران این دوره، از آن به‌عنوان پیام‌رسان مسائل اجتماعی استفاده می‌کردند. در دوره بعد نیز، صورت نوینی از این قالب با عنوان «غزل نو» پدیدار شد و مورد استقبال قرار گرفت؛ تا جایی که در سروده‌های شاعران معاصر جایگاهی ارزنده دارد. غزل نو «نخستین بار در دههٔ چهل و پنجاه در آثار شاعرانی چون سیمین بهبهانی و حسین منزوی ظهور کرد» (زرقانی، ۱۳۸۴: ۵۵۱). می‌شود گفت که این نوع غزل، فرجام تلاقی شعر سنتی با شعر نو است که در نهایت برای هر دو دستاوردهای مهمی داشته؛ زیرا شعری از آن برآمده که از توانایی‌های شعر سنتی و نو به‌گونه‌ای توأمان بهره‌مند گردیده است. غزل نو «تحت تأثیر شعر نیما به وجود آمده است. این غزل بدیع به هیچ وجه در زبان فارسی مسبوق به سابقه نیست» (شمیسا، ۱۳۷۳: ۲۰۷). در این جریان شعری مهم، درواقع برخی از شاعران نوپرداز، شعر کهن را رها نکردند؛ بلکه به‌مرور اندیشه‌های نوین را در شعر سنتی به کار گرفتند و جان تازه‌ای در قالب کهن شعر فارسی دماندند.

سیمین بهبهانی از پیشگامان غزل نو، در سال ۱۳۵۲ خورشیدی، دفتر شعری با عنوان «رستاخیز» منتشر کرد که برخی آن را مانیفست غزل نو دانستند. این شاعر در شیوهٔ غزل‌سرایی خود، علاوه بر حفظ این قالب، بار دیگر آن را به شیوه‌ای نو، کانون توجه شاعران قرار داد.

سیمین بهبهانی، بی‌گمان، نخستین یا تنها شاعری نیست که در راه ایجاد تحولی تازه در غزل قدم کامل برداشته است. کسانی دیگر نیز در این کار کوشیده‌اند. اما سیمین، بی‌تردید اولین کسی است که در این باره توفیق شایان نصیبش شده است. کار سیمین در حوزه غزل، درست هم‌سنخ کار نیما در عرصه شعر فارسی است (حق‌شناس، ۱۳۶۳: ۱۶۴).

این شاعر به‌نیکی آگاه بود که گذر از ادبیات سنتی به معنی نادیده‌گرفتن معنا و یا واژگان کهن نیست؛ چرا که بازآفرینی و یا به‌کارگیری آن‌ها به شیوه‌ای نوین می‌تواند ادبیات معاصر را پربار کند و بر توان آن بیفزاید. سیمین در این رابطه معتقد است که «شعر سنتی درختی کهن است و شعر نو، نهالی جوان که از هستهٔ درخت کهن می‌روید. همان است و همان نیست. قطع رابطه با زبان دیروز ناممکن است؛ اما تغییر و هنجارآفرینی و بدعت‌گذاری در آن ناگزیر» (بهبهانی، ۱۳۷۸: ۷۸۹)، است. بر این اساس همراهی واژگان کهن و نو برآمده از اصالت و پابندگی زبان فارسی است که از پس هزاره‌ها، صلابت خود را حفظ کرده و توانسته است کارآمد باشد. همچنین

قدرت ذهنی شاعر را در این پیوند استوار نشان می‌دهد. کاربرد آگاهانه کهن‌واژگان، بیانگر اندیشه و باور شاعر است که می‌خواهد با همراهی و همنشینی آن‌ها، شعرش را پویا، محکم و قدرتمند سازد. آن‌گونه که تأثیر سخن را دوچندان و ذهن مخاطب را با چرخه‌ی واژه‌ها درگیر می‌کند. و این‌گونه، شعر پویا می‌شود، نه واپسگرا و دور از زیبایی.

۱-۱. بیان مسأله

سیمین بهبهانی شاعری است که درک عمیقی از جامعه‌ی خود دارد. بازتاب رخدادهای اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و... شعر او را برای هر نگاه و سلیقه‌ای دارای معنا و پسندیده کرده‌است. پژوهش‌های فراوانی که درباره شعر او از نظر ساختار، محتوا، مضمون و... صورت گرفته، بیانگر تأثیرگذاری او در ادبیات معاصر است. وی در شمار شاعرانی است که توانسته‌است در شعر معاصر تحول آفرین و نوپرداز باشد. هنر شاخص او در پدیدآوردن غزل نو نمایان است. بهبهانی به ارزش ادبیات سنتی و تأثیر حضور آن در شعر آگاهی تمام داشته‌است. به همین دلیل این شاعر از نظر کهن‌گرایی در ساختار، بیان و اندیشه، در شمار چند شاعری است که بیشترین استفاده را از این خصیصه داشته‌است. در شعر او کهن‌واژه‌ها حضوری چشمگیر دارند. در این پژوهش با بررسی کهن‌گرایی واژگانی در غزلیات سیمین بهبهانی، به این پرسش‌ها پاسخ داده می‌شود که:

۱. مهم‌ترین موارد کهن‌گرایی واژگانی در غزلیات سیمین بهبهانی چیست؟

۲. آیا کهن‌گرایی واژگانی در غزلیات سیمین بهبهانی با مفاهیم نوین روزگارش همخوانی دارد و توانسته‌است از عهده بیان انگاره‌های ذهنی شاعر برآید؟

۳. همنشینی واژگان کهن و نو، غزلیات سیمین بهبهانی را برای مخاطب امروز دیرپاب نکرده‌است؟

۴. آیا کهن‌گرایی واژگانی باعث خاص شدن غزلیات سیمین بهبهانی شده‌است؟

۱-۲. روش پژوهش

این پژوهش بر اساس مجموعه اشعار سیمین بهبهانی که در سال ۱۳۸۲، به کوشش نشر نگاه، منتشر شده‌است، انجام می‌گیرد. روش گردآوری داده‌ها، مراجعه به کتاب‌ها و منابع معتبر علمی درباره شعر سیمین بهبهانی، بوده‌است. جامعه آماری پژوهش، شامل غزلیات دیوان سیمین بهبهانی می‌شود. با مطالعه غزل‌های سیمین بهبهانی، مهم‌ترین مظاهر کهن‌گرایی آن، در سطح

واژگان، استخراج، دسته‌بندی و توصیف و تحلیل شده‌است. بررسی و تحلیل هر دسته، همراه با ذکر شواهدی شعری از غزلیات این شاعر، بوده‌است.

۳-۱. ضرورت و اهمیت پژوهش

ضرورت پژوهش پیش‌رو به این دلیل است که مقوله کهن‌گرایی و ارژگانی در غزلیات سیمین بهبهانی را به‌عنوان یکی از شگردها و اختصاصات زبانی او، بررسی می‌کند و از این رهگذر جلوه‌ای از سبک شعری این شاعر جریان‌ساز را نمایان می‌سازد.

۲. پیشینه پژوهش

پژوهش‌های پرشماری به بررسی شعر سیمین بهبهانی اختصاص دارد. از جدیدترین این پژوهش‌ها می‌توان موارد زیر را نام برد:

۱. بهروز آقابابایی رودباری و دیگران (۱۴۰۱)، به بررسی «نمادهای خرد ساختمان‌دگر در غزل نو با تأکید بر نمادهای ساختمان‌دگر سیمین بهبهانی» پرداخته‌اند.

۲. زهرا قنبرعلی باغنی و شهین اوجاقعلی‌زاده (۱۴۰۱)، «تعالی شخصیت انسان در اشعار سیمین بهبهانی بر پایه نظریه اریک فروم» را بررسی کرده‌اند.

۳. قدرت‌الله ضرونی (۱۴۰۲)، «زمینه‌ها و نشانه‌های آشنایی سیمین بهبهانی با شاهنامه فردوسی و چگونگی تأثیرپذیری از آن» را مورد پژوهش قرار داده‌است.

هیچ یک از پژوهش‌های مربوط به شعر سیمین بهبهانی، به حضور و تاثیر کهن‌واژگان در غزل‌های این شاعر نپرداخته‌اند.

۳. بحث و بررسی

واژگان کهن اگر به‌جا و مناسب به کار برده‌شوند، نه تنها آسیبی به ساختار جمله نمی‌زنند؛ بلکه اصالت و پایداری آن را نشان می‌دهند. همنشینی واژگان کهن با واژه‌های امروزی به توانگری و بار معنایی سخن می‌افزاید. در واقع «کلماتی که از اعصار کهن اقتباس می‌شود نوعی شکوه و جلال به سبک می‌بخشد، زیرا از قدرت سالیان برخوردار است و بر اثر مدتی فترت، نوعی تازگی

شکوهمند احراز می‌کند» (دیچز، ۱۳۷۳: ۲۵۷). نیک‌بختانه زبان پارسی، پشتوانه‌ای ارزشمند دارد که هنوز هم می‌تواند رسا و پویا باشد. واژگانی که در شعر سیمین بهبهانی به کار گرفته شده‌اند، تأییدبخش سخن‌پردازی قدرتمندانه او و نهایت توانمندی این شاعر در بهره‌گیری از واژگان سالخورده زبان فارسی و آمیزش هنرمندانه آن‌ها با واژه‌های امروزی است. سیمین بهبهانی خود در این باره گفته‌است:

سال‌ها تلاش کرده‌ام که بلکه بتوانم مهره‌های دیرین غزل را- که دیگر گنجایش واژه‌های تازه و مفهوم تازه را نداشت- جابه‌جا کنم، یا مهره‌های تازه‌تر به جای کهن‌تران بنشانم. واژه‌های امروزی را، به کمک تلفیق با واژه‌های کهن با روکش تصویر و تعبیر دلخواه، در آن گنجاندم (بهبهانی، ۱۳۷۱: ۲۸).

در شعر سیمین بهبهانی موضوعات متنوعی از عشق، رویدادهای سیاسی، دردهای اجتماعی و انسانی دیده می‌شود. این تنوع و گستره، نیازمند هماهنگی و واژگان بسیار است. شاعر این نیاز را از طریق استفاده از گنجینه گذشته زبان فارسی، واژگان زبان رایج عصر خود و نیز ساخت واژه‌های نوین تأمین کرده‌است. وام‌گیری سیمین بهبهانی از آبخش‌خور غنی زبان کهن، گستردگی و تنوع بالا دارد. از این میان نه جنبه مهم کهن‌گرایی واژگانی غزلیات سیمین بهبهانی در ذیل عناوین: ۱. واژه‌های عام، ۲. واژگان درباری، دیوانی و نظامی، ۳. اصطلاحات موسیقی، ۴. اصطلاحات باده‌گساری، ۵. اصطلاحات و اسامی خاص مربوط به اساطیر و تاریخ کهن ایران، ۶. ترکیب‌های کهن، ۷. کهن‌گرایی در فعل (فعل ساده، فعل پیشوندی، فعل مرکب، فعل دعایی، ریخت کوتاه‌شده فعل‌ها، «میم» نفی فعل، و «باء» تأکید فعل)، ۸. اصوات کهن، و ۹. کهن‌گرایی در استفاده از حروف، طرح و تحلیل می‌شود.

۳-۱. واژه‌های عام

اسم، صفت و قیدهایی هستند که در زبان امروز به شکلی که پیش‌تر بوده، کاربرد ندارند یا کمتر استفاده می‌شوند. اما سیمین بهبهانی خود را مجاز دانسته دیگر بار آن‌ها را وام بگیرد و اندیشه‌های امروزی خود را قالب آن‌ها آشکار سازد. در ادامه به نمونه‌هایی از این واژگان اشاره می‌شود:

بِ نِگَرِ بَه شَمَعِ سُوخْتَه از شام تا به صبح	تا باخبر ز حال شب دوش من شوی
(بهبهانی، ۱۳۸۲: ۱۵۱)	
بِه دَامِ مَن، دَل شِیرانِ شَرزِه بود فتاده،	غزالِ مَن! چه شد اکنون که سر به پای تو دارم؟
(همان: ۱۵۹)	
غَلَطِ گَفتَم، کِه خورَشیدِی درخشان	کِه مِه یابَد ز نورش زِیَب و فَر، زاد
(همان: ۱۶۵)	

- شاخهٔ عمرم نشد پرگل که چیند دوستی
لاجرم از بهر دشمن کاش خاری داشتم
(همان: ۱۸۸)
- سیمین! به شام هجر او، نیلینه دارم دامنی
از اختران اشک خود، دامان گردونش کنم
(همان: ۱۹۹)
- آه، سیمین! گوهری گمگشته در خاکسترم
من بمانم، او فروریزد، زمان پرویزن است
(همان: ۳۲۰)
- خروش رودِ دمان، شور عشق می‌ریزد
سکوت کوه گران، شوق یار می‌باشد
(همان: ۳۲۶)
- بسان سایه ز آزار مردمان، سیمین!
غمین به گوشهٔ دیوارها خزیده منم
(همان: ۳۳۵)
- درج گهر ز دیده به دامان شکستگان
پیمان مهر بسته و نشکسته می‌روند
(همان: ۴۵۸)
- در نور پیه‌سوز شما جز دروغ نیست
خورشیدِ راستین من آینه‌دار کیست؟
(همان: ۴۷۴)
- از الف داغ تنم صد آیهٔ خونین بخوان
حرف حرفش، دوزخی؛ پادافره خونخواره‌ای
(همان: ۵۴۳)
- هنوز موی بسته را اگر به شانه وا کنم
بسا اسیر خسته را ز حلقه‌ها رها کنم
(همان: ۵۵۰)
- زان روز که عالم را در خون و جنون دیدم
پرهیختن از جنگم، سرلوحهٔ فرهنگ است
(همان: ۶۰۵)
- دل گرفتهٔ ما را گشایش از نسیمی کو؟
که این سراچه را حسرت، به هفت پرده پوشانده‌ست
(همان: ۷۰۰)

۲-۳. واژگان درباری، دیوانی و نظامی

این واژگان و اصطلاحات درباری، دیوانی و نظامی میراث ادبیات گذشته پارسی است و سیمین بهبانی با به‌کارگرفتن آن‌ها در شعرش، هم به طرح گوشه‌هایی از ذهنیات خود پرداخته‌است و هم سعی در بازآفرینی هویت و فرهنگ ملی ما دارد تا دیگر بار آن‌ها را در پندار و باور مخاطب زنده کند:

- دل آزرده چون شمع شهستان تو می‌سوزد
چه غم دارم؟ که این آتش به فرمان تو می‌سوزد
(همان: ۱۷۳)
- عشق یغماگر خود را به دل ما بفرست
خانهٔ سوخته را حاجب و در بانی نیست
(همان: ۱۸۰)

- مژه، می‌زد به رخ زرد و غمینم رقم خون
تا سخن‌ساز غمت کملک گهر بار تو می‌شد
(همان: ۲۳۰)
- به چشم، سرمه کشم تا دلت بلرزد سخت
هنر بود که خدنگی بر این نشانه کشم
(همان: ۲۴۹)
- شبح که سینه من پرده‌دار اسرار است
به انتظار تو، ای خنجر سپیده! منم
(همان: ۳۳۵)
- یاد از آن روز که انگشت تو اشکم بسترد
خاتم دست تو شد گوهر ناسفته من
(همان: ۳۴۴)
- گیرم شکست، غبن شکستش روا مباد
بر فرق خصم اگر شد کند تیغ آخته
(همان: ۳۹۹)
- خیال تاختنش بود طبع چابک من
دلیم تعهد این خننگ راهوار نکرد
(همان: ۴۱۳)
- ز شهر بند سکوت سر رهایی نیست
که پیش خفته، مجال سخن‌سرایی نیست
(همان: ۴۳۳)
- غر بال سبز فام درختان، به دست باد
بر ما نثار سیم و زر از آفتاب داشت
(همان: ۴۳۴)
- زمین نیز از زوبین ها، فضا خونین چرا باید؟
زمین و آسمان من، بدین آیین چرا باید؟
(همان: ۴۶۸)
- این جمله خیل آدم‌کان، با سکوت مرگ
در کارگاه، مانده بجا، یادگار کیست؟
(همان: ۴۷۳)
- تشریف یافتیم همانا؛ که دوستان
تبریک می‌کنند به مویین ردای ما
(همان: ۵۳۰)

۳-۳. اصطلاحات موسیقی

از غزل سیمین بهبهانی گاه ناله اندوه و گاه نغمه شادی به گوش می‌رسد و او برای این هم آوایی، از گفتمان و ابزارهای کهن در موسیقی ایرانی یاری گرفته‌است:

- رسید شعر تو و، گوشم آشنایی داشت
به نغمه‌ای که ز مرغ شکسته‌بال من است
(همان: ۱۶۰)
- چنگ در پرده عشاق زن، ای چنگی عشق!
که درین پرده عجب پنجه شیرین داری!
(همان: ۲۴۲)
- بر آهن می‌خراشد پنجه را دیو
تو می‌رقصی که «این بانگ رباب است!»
(همان: ۲۸۱)

خفته دارد دل به هر تازی نوایی ناشناس زخمه غم گر زنی سازی نواسازش کنم
(همان: ۲۹۵)

منم آن شکسته‌سازی، که توام نمی‌نوازی که فغان کنم ز دستی، که گسسته تار ما را
(همان: ۳۱۰)

۳-۴. اصطلاحات باده‌گساری

بزم مستانه سیمین با تصویرآفرینی می و میکند و سرخوشی‌های آن، هنوز همان شکوه و شادی
غزل دیرین را فرا یاد می‌آورد تا دمی مخاطب را از اندوه زمانه دور سازد:

می خوردم و مستی ز حد افزودم و، آنگاه پیمان تو بپریدم و پیمانانه شکستم
(همان: ۱۵۳)

دلم ز غم پر جامم ز باده، جای تو خالی که بنگری چه هم‌صحبتی به جای تو دارم!
(همان: ۱۵۹)

صراحییم که نشستم به بزم غیر و، رواست که سرخوشش کنم از خون سرخ گردن خویش
(همان: ۲۰۸)

گفتند: «ساقی از می باقی چو دردهد گوش فلک ز نغمه مستانه کر شود.»
(همان: ۲۷۵)

سیمین! تو ساقی سخنی وز شراب شعر یک جرعه در پیاله هر گوش می‌کنی
(همان: ۳۰۲)

جرعه‌نوشان قلندروش سرگردانند یک شب از صد خم و صد خمکده مستند و تو نه
(همان: ۳۳۰)

سبوی وعده رنگین به طاق کهنه سپار که خمرش از سر یاران برون خمار نکرد
(همان: ۴۱۳)

۳-۵. اصطلاحات و اسامی خاص مربوط به اساطیر و تاریخ کهن ایران

گرچه غزل آوردگاه حماسه نیست؛ اما این توجه خاص برآمده از میهن‌دوستی شاعر است که غزل را برای سیمین بهبهانی عرصه آرمان‌های انسان امروز و دغدغه‌هایش کرده‌است تا همگام با دگرگونی‌های روزگارش بر خودکامگی، ستمگری و بی‌عدالتی بستیزد. لحن حماسی غزل، سیمین بهبهانی را با اسطوره‌ها و رخدادهای تاریخی و ملی سرزمین خود پیوند داده‌است. سیمین بهبهانی پس از نشر کتاب «خطی ز سرعت و از آتش» در سال (۱۳۶۰)، لحنی حماسی برای غزل‌های خود اتخاذ کرد. در شعرهای پایانی سیمین بهبهانی جلوه بیشتری از دل‌بستگی او به اساطیر و تاریخ کهن ایران دیده‌می‌شود. او آن‌ها را به‌نحوی نمادین و برای باورهای تازه‌ای به کار گرفته،

که کمتر مورد نظر بوده است. این شاعر به شخصیت‌های اسطوره‌ای و تاریخی ایران می‌بالد و با افتخار از آن‌ها یاد می‌کند؛ چرا که هنوز هم نام، مرام و اندیشه آن‌ها را در تنگناهای اجتماعی و سیاسی موثر و گره‌گشا می‌داند. این دیدگاه تازه باعث شده است گاهی آن‌ها را به شکلی دیگر به تصویر بکشد. این نمادها یاریگر سیمین بهبهانی در بیان انتقادهایش از وارونگی ارزش‌هاست. از جمله اصطلاحات و اسامی خاص مربوط به اساطیر و تاریخ کهن ایران، در شعر سیمین بهبهانی، موارد ذیل است:

- ز مرکوب «دجال» ها به گوش من آید صدا
ز گردونه «میترا» صلائی شنیدید اگر
(همان: ۵۵۳)
- آن کاویانی درفش، در دست ضحاک داد
نقش فریدون کشید، بر دوش او مار کرد
(همان: ۵۵۶)
- صد مفاک خامش در او، خون صد سیاوش در او
با سرشت گرسیوزی، وه، چه نابکاری کند!
(همان: ۵۵۸)
- این چرم رها افتاده بی‌برگ و نوا افتاده
گویی ز خود می‌پرسد: «پس کاوه آهنگر کو؟»
(همان: ۵۸۵)
- ما نمی‌خواستیم جنگ و ستیز، خواست، اهریمن و دریغا هست
لانه اهرمن نشاید داشت، خانه تا جلوه‌گاه مزدا هست
(همان: ۶۱۴)
- نادیده به سهراب ر سید وز کشتن او باک نداشت
خون خورده و پرورده پسر آنک، پدری باید و نیست
(همان: ۶۲۸)
- بر آتش سرد زرتشت، چه شمع‌ها اشک‌ریزان
ز بان دل برگشوده، به روشنی در صلا، آه!
(همان: ۶۲۹)
- چنگ در دست نکسیا بود، یارید را لحن گویا بود
شاید این تدبیر، خسرو را تا حقیقت رهنمون می‌شد...
هر نگاهش در دل وحشت آذرخشی از جنون می‌شد
(همان: ۷۳۹)
- به حماسه کمانگیری، هنرم کم از چه می‌گیری
نر هیده آرش از تیری، که من از کمین رها کردم
(همان: ۹۳۹)
- با پیکر بی‌نهایت خود، با فرّ و شکوه و هیبت خود
تا دور شود ستاره ز ره، فریاد «حذرا! حذرا!» زده‌ام
(همان: ۹۴۵)
- ای کوه، ای بند ضحاک، آیا به یادت هست؟
زان چیره‌دستان چالاک، چرمین علم در دست؟
خو آن جوان‌خوار تازی، کاو را به پادافره
خلقی به گردن‌فرازی، در دیو بندت بست؟
(همان: ۹۵۸)
- بنیان کن اکوان دیوم، در شعر می‌توفد غریوم
از هفت‌خان خواهیم گذشتن، با کوله هفتاد و هشتاد...
(همان: ۱۱۴۳)

زبان سیمین در کنار استفاده از ترکیب‌های کهن، با ترکیب‌های تازه و شاعرانه‌ای همراه است که بخشی از آن‌ها نیز یا با استفاده از مواد اولیه کهن، یعنی تکواژها و واژه‌های زبان گذشته، یا الگوبرداری از شیوه‌های واژه‌سازی گذشته، ساخته شده‌است:

چو گل نشسته به خون و چو غنچه بسته‌دهانم	چو لاله بر دل خود، داغ از جفای تو دارم
(همان: ۱۵۸)	
متاب امشب به بام من چنین دامن‌کشان ای مه!	که دارم آتشی در دل که دامن تو می‌سوزد
(همان: ۱۷۳)	
گرداب، شکیباییم آموخت که دیدم	گاه از من <u>سودازده</u> ، سرگشته‌تری هست
(همان: ۱۷۵)	
شبی به مهر بجوش و ببین که چرخ حسود	سحر دریده‌گریبان ز مهربانی ماست
(همان: ۲۱۳)	
ای شام <u>قیرگون</u> که سحر از پی تو نیست	دانم به سر نیایی و عمرم به سر شود!...
(همان: ۲۷۶)	
به شبان هجر، خوابم به دو دیده آمد آن دم	که سحر <u>سجاف زرین</u> ، به کنار آسمان زد
(همان: ۳۳۶)	
پیکرنگار طبع من، سازد بت از لای و لجن	من زان <u>بتان گنده‌تن</u> ، همزاد پیدا می‌کنم!
(همان: ۴۵۹)	
به چشمم پلک‌ها هر دم، در شادی چرا بندد؟	ز اشکم، مخمل مژگان، <u>بلورآجین</u> چرا با ید؟
(همان: ۴۶۸)	
ترنج رُسته به زندان <u>تنگ تنگ</u> منم	که <u>عطر بیز بلورین حصار</u> خویش‌تم
(همان: ۴۷۲)	
خاک کشتندگه‌تان را بوسه زد آزادگی	<u>پای‌مزدی</u> این چنین شایسته هر گام‌تان
(همان: ۵۱۷)	

۷-۳. کهن‌گرایی در فعل

فعل‌های پولادین کهن، ستون‌های سترگی در سخن سیمین برآورده‌اند. این فعل‌ها با ساختارهای گوناگون (فعل ساده، فعل پیشوندی، فعل مرکب، فعل دعایی، «میم» نفی فعل، «باء» تأکید فعل) توانسته‌اند به صلابت و استواری غزل سیمین بیفزایند.

۷-۳-۱. فعل ساده

فعل ساده کهن به خوبی در شعر سیمین بهبهانی جای خود را باز و نقش آفرینی کرده است. مواردی

از این نوع فعل که به شعر سیمین بهبهانی صبغه کهن خاصی بخشیده است، عبارتند از:

فریاد زنان، ناله کنان، عربده جویان	زنجیر ز پای دل دیوانه گسستم (همان: ۱۵۳)
نخفت دیده سیمین ز تاب دوری دوست	به صدق دعویش، ای شب! تو را گواه کنم (همان: ۱۶۱)
هر آه که در حسرتش از سینه برآمد	زندانی من بود که از بند تنم رست (همان: ۱۸۷)
ز سرشک نم فشاندم، به بنفشه زار دوری	که ز بوته‌ها بچینی، گل انتظار ما را (همان: ۳۱۰)
بی‌بهره ز ره‌پویی خود هر شبه چون مهر سیمین شده دشت سخن از پرتو شعرم	در بستری از خون دل خویش غنودم رشک مه گردونم از این نقره که سودم (همان: ۳۲۹)
کاهلی را در نیام جرم پوشی کرده‌ایم	کینه‌توزی را نشاید تیغ بی‌آزار ما (همان: ۴۴۰)
می‌خواستم آهی بکشم، آه! که دیدم	شاهین صفت از فاخته کین توخته بودی (همان: ۸۱۸)

۳-۷-۲. فعل پیشوندی

استفاده از فعل‌های پیشوندی در غزلیات سیمین، از مظاهر کهن‌گرایی واژگانی و گریز از

هنجارهای زبانی امروز، از سوی او بوده است:

با یاد تو گر آه برآرم، نه غمین است؛	خوش، آن سفر افتد که در او همسفری هست (همان: ۱۷۵)
خیال روی تو در خاطرم درآویزد	چو کودکی که در دامان مادر آویزد (همان: ۲۰۲)
پرده شرمی به رخسار سکوت افکنده‌ام	برفکن این پرده را تا قصه پردازش کنم (همان: ۲۹۵)
سنگین نفسم از غم، در سینه فرومانده	از سرب مگر باری، بر دوش هوا بسته (همان: ۲۹۸)
باور نداشتم که چنین واگذاریم	در موج‌خیز حادثه، تنها گذاریم (همان: ۳۰۹)

۳-۷-۳. فعل مرکب

فعل‌های مرکب که امروزه کاربرد ندارد یا کم‌کاربرد است، در زبان شعری سیمین بهبهانی دوباره رونقی تازه یافته‌اند و بر قدرت و گیرایی سخن او افزوده‌است:

بکشد یا بگشدد، هر چه کند دم نزنم مرحبا عشق که بازوش به نیروست هنوز

(همان: ۱۹۲)

شمعیم پاک سوخته در بزم عاشقی تا ماجرا کنیم، زبانی نمانده‌است

(همان: ۲۹۲)

تا موج خیز چشمم، دردانه پرور آمد پیرایه بست عالم، با گوهر خیالم

(همان: ۳۴۸)

هزار خوشه شیرین به دیده نقش زدیم دهان تلخ یکی حبه انتظار نکرد

(همان: ۴۱۳)

با جسم ناآرام خود، با خصم خون‌آشام خود در تنگنای دام خود، عمری مدارا می‌کنم

(همان: ۴۵۹)

۳-۷-۴. فعل دعایی

فعل‌های دعایی دیرین نیز در شعر سیمین بهبهانی بسامد فراوان دارد:

گر سوی کس بجز تو، روزی گشوده گردد پیوسته بسته باد، بال و پر خیالم

(همان: ۳۴۸)

ای آن که گاه‌گاه ز من یاد می‌کنی پیوسته شاد زی که دلی شاد می‌کنی

(همان: ۳۵۵)

گیرم شکست، غبن شکستش روا مباد بر فرق خصم اگر شکند تیغ آخته

(همان: ۳۹۹)

سیمین بهبهانی یکی از غزل‌هایش را با فعل دعایی «مباد» آغاز کرده و آن را با همین فعل نیز به فرجام رسانده‌است:

آن که رسوا خواست ما را، پیش کس رسوا مباد! وان که تنها خواست ما را، یک نفس تنها مباد!

(همان: ۳۰۳)

۳-۷-۵. ریخت کوتاه شده فعل‌ها

آوردن فعل به صورت مخفف از ویژگی‌های بارز شعر سنتی است. اما گاه آن‌ها را در شعر معاصر، به‌ویژه، در غزل سیمین بهبهانی فراوان می‌بینیم. به‌گونه‌ای که مورد توجه مخاطب قرار می‌گیرد و شکوه سخن شاعر را نشان می‌دهد:

من نیز بند مهر تو بُبُریده‌ام ز پای
تنها گمان مبر که تو زین دام رسته‌ای
(همان: ۱۹۳)

افرای تناور بودی، پرشاخه بارور بودی
استاده به معبر بودی، صدگونه گزند آخته
(همان: ۵۸۷)

نمی‌توانم ببینم به خاک و خارا فتاده
اگر چه خشم تو گوید: «سزای دشمن همین است»
(همان: ۵۹۵)

۳-۷-۶. «میم» نفی فعل

«میم» نفی که در واقع فعل نفی می‌سازد در غزل‌های سیمین به فراوانی دیده می‌شود، تا جایی که برخی غزل‌هایش با ردیف فعل نفی، کوبنده و جاندارتر شده است:

متاب امشب به بام من چنین دامن‌کشان ای مه!
که دارم آتشی در دل که دامن تو می‌سوزد
(همان: ۱۷۳)

گر باد بیارآمد و گر موج نخیزد
دل نیز شکیبید، مخراشید به پندش
(همان: ۲۳۷)

دامن از ما مکش، ای دوست! چو خورشید غروب
که به دامن توام دست نیاز است هنوز
(همان: ۲۴۰)

امیدِ خاطرِ سیمینِ دل شکسته تویی
مرا مخواه از این بیش ناامید بیا
(همان: ۲۹۴)

گوید میفزا قهر خود، گویم بکاهم مهر خود
گوید که کمتر کن جفا، گویم که بسیارش کنم
(همان: ۳۰۰)

هرگز مپرس از راز من، زین ره مشو دمساز من
گر مهربان خواهی مرا، حیران بیا حیران برو
(همان: ۳۱۳)

گفتم که می‌خواهم تو را، باور مکن، باور مکن
از جمع یاران پا مکش، با من به یاری سر مکن
(همان: ۳۳۸)

با استخوان مردگان، چویم چنین بر سر مزن
بس کن - خدا را - ساعتی! دیگر مزن، دیگر مزن
(همان: ۴۶۶)

وقت درو کردن گل شد، کار به فردا مگذارید
داس بجوید و بیابید، لاله به صحرا مگذارید
(همان: ۷۴۸)

۳-۷-۷. «باء» تاکید فعل

سیمین بهبانی به سیاق قدما بر سر برخی فعل‌ها «باء» تاکید آورده‌است:

دوشیزه سرزنده عشق و هوسم را	در گور نهفتم به عزایش بنشستم
(همان: ۱۵۳)	
حیف و صد حیف که امروز به هیچم بفروخت	آن سیه‌چشم که یک روز خریدارم بود
(همان: ۲۲۴)	
بگذشت مرا، ای دل! با بی‌خبری عمری	با بی‌خبری از خود، کردم سپری عمری
(همان: ۳۴۰)	
نه چشم بسته بگشایی، نه راه رفته باز آیی،	به مرگت بار تنهایی، چه سنگین است بر دوشم!
(همان: ۴۵۵)	

۳-۸. اصوات

اصوات کهن نیز، یکی دیگر از ویژگی‌های سبک زبانی شعر گذشته پارسی است، که در آن زمان بسیار روایی داشته و برخی از آن‌ها در شعر معاصر راه یافته‌است. این اصوات در اندازه یک جمله می‌تواند مفید واقع شود و احساس و پیام شاعر را به روشنی بیان کند. از آن‌جا که سیمین بهبانی به تاثیر آن‌ها در شعر آگاه بوده، از این کارکردها بهره گرفته و صوت‌های کهن را برای بیان هشدار، افسوس، درد، اندوه و برحذر داشتن استفاده کرده‌است:

گفتم: «به جادوی وفا، شاید که افسونش کنم»	آوخ که رام من نشد، چونش کنم، چونش کنم؟
(همان: ۱۹۹)	
دردا! که عاقبت ننشستم به دامن	با آن که چون غبار نشستم به راه تو
(همان: ۲۰۶)	
در یغ و درد! مگر داستان عشقم بود	شکوفه‌ای که شبانگه شکفت و فردا مرد؟
(همان: ۲۴۱)	
تو رفته را به کنار آورم دگر؟ هییهات!	مرا چه سود که سروی به خانه دگر است؟
(همان: ۳۱۵)	
من و دامن دگر از پی دامن تو؟ حاشا!	نه گیاهم که به هر دامن صحرا بنشینم
(همان: ۳۴۲)	
هی‌ها... هی‌ها... ره بگشا! رفتن را میدان باید	این محمل را پویایی، افزون از توفان باید
(همان: ۷۲۳)	

هلاز هاله همچون مه به خویش جامه پیچیده! نگاه کن شیبی بر من که چون ستاره عریانم
(همان: ۹۷۳)

۳-۹. کهن‌گرایی در استفاده از حروف

سیمین بهبهانی از شکل مخفف حروف که سابقاً رواج داشته، نیز استفاده بسیار کرده‌است:

گر سر نهد به شانه من، آفتاب من ای آفتاب، جلوه‌گر از دوش من شوی
(همان: ۱۵۱)

زین پاره‌دل چه ماند که مژگان‌بلندها چندین پی رفوش، به سوزن کشیده‌اند
(همان: ۱۵۲)

عشقت ز دل خون‌شده‌ام دست نمی‌شست من کشتمش امروز بدین عذر که مستم
(همان: ۱۵۳)

سیمین! ز عشق رسته‌ای اما فسرده‌ای آن اخگری کز آتش سوزنده جسته‌ای
(همان: ۱۹۳)

این چشم خون‌فشان مگرم آگهی دهد ورنه کجا ز حال دل خود خبر مراست؟
(همان: ۲۰۱)

سرودم گر توان بخش آبرمردی نشد، باری کلامم نوحه‌ای بر لاشه خونین، چرا باید؟
(همان: ۴۶۹)

۴. نتیجه‌گیری

سیمین بهبهانی یکی از شاعران معاصر است که در عرصه غزل نو صاحب‌سبک است. نوآوری و تحولاتی که او در حوزه غزل به وجود آورده‌است، سبب شده تا نگاهی ویژه نسبت به او وجود داشته‌باشد. شعر سیمین بهبهانی، هم به لحاظ مضمون هم به لحاظ فرم، در ادبیات معاصر، جایگاهی ارزنده دارد. غزل، از سنتی‌ترین قالب‌های شعر شاعران ایران، دست‌مایه هنر شاعری سیمین بهبهانی است. او هیچ‌گاه از سنت‌های کهن جدا نشده‌است و این دل‌بستگی و توجه، با آوردن کهن‌واژگان در غزلش به ظهور رسیده‌است که می‌توان مهم‌ترین اشکال آن را به صورت: ۱. واژه‌های عام، ۲. واژگان درباری، دیوانی و نظامی، ۳. اصطلاحات موسیقی، ۴. اصطلاحات باده‌گساری، ۵. اصطلاحات و اسامی خاص مربوط به اساطیر و تاریخ کهن ایران، ۶. ترکیب‌های کهن، ۷. کهن‌گرایی در فعل (فعل ساده، فعل پیشوندی، فعل مرکب، فعل داعی، ریخت کوتاه‌شده

فعل‌ها، «میم» نفی فعل، و «باء» تأکید فعل، ۸. اصوات کهن، و ۹. کهن‌گرایی در استفاده از حروف، یادآور شد.

گسترده‌گی واژگان در ذهن سیمین بهبهانی، توانسته‌است او را در بیان اندیشه‌اش یاری کند. این‌که این شاعر از واژگان کهن بهره گرفته‌است، جای ایراد نیست، زیرا گاه یک واژه کهن آن‌چنان در انتقال مفاهیم و اندیشه‌اش مؤثر بوده‌است که واژگان هم‌روزگارش توانایی آن را ندارند. سیمین بهبهانی آگاهانه واژگان کهن را گزینش، ترکیب و به کار گرفته‌است. استواری و اثرگذاری شعرش دلیل این باور است. غزل سیمین بهبهانی از هماهنگی موضوع و انسجام مفهوم برخوردار است. ساختار و محتوا همخوانی دارند و سخنش را محکم و قدرتمند ارائه داده‌اند. او با هنرمندی از عناصر زبان، فرهنگ و تاریخ دیرین سرزمینش برای بیان تجربه و اندیشه‌هایش استفاده کرده‌است. به‌گونه‌ای که دریافت شعر او برای خواننده دیرپاب نیست. بلکه با چنین رویکردی هوشمندانه، بر آنست که سطح آگاهی نسل امروز را با گنجینه ارزنده فرهنگ و تاریخ گذشته پیوند دهد و آن‌ها را از خطر فراموشی برهاند و این مهم، نشانه درک به‌موقع شاعر از جامعه است. او با درد و رنج جامعه آشناست؛ بنابراین زبانش گاه کوبنده و تند و گاه آرام و دلپذیر است. وی با پردازش شعر کهن آن را با زندگی امروز درآمیخته تا همه مردم به شعر روی آورند و شعر به گروه یا دیدگاهی خاص، منحصر نشود. درآمیختن مفاهیم امروز و بیان مسایل سیاسی، اجتماعی و فرهنگی با یاری گرفتن از کهن‌واژگان، غزل او را متمایز و در دوره معاصر، کانون توجه قرار داده‌است.

کتابنامه

۱. بهبهانی، سیمین (۱۳۷۱). *گزینه اشعار*، تهران: مروارید.
۲. بهبهانی، سیمین (۱۳۷۸). *یاد بعضی نفرات*، تهران: البرز.
۳. بهبهانی، سیمین (۱۳۸۲). *مجموعه اشعار*، تهران: نشر نگاه.
۴. حق‌شناس، علی محمد (۱۳۶۳). *مقالات ادبی، زبان شناختی*. تهران: امیرکبیر.
۵. دیچرز، دیوید (۱۳۷۳). *شیوه‌های نقد ادبی*، ترجمه محمدتقی صدقیانی و غلامحسین یوسفی، تهران: علمی.

۶. زرقانی، سید مهدی (۱۳۸۴). چشم انداز شعر معاصر ایران، تهران: ثالث.

۷. شمیسا، سیروس (۱۳۷۳). سیر غزل در شعر فارسی، تهران: فردوس.



Research article
Received: 05/03/2024
Accepted: 07/11/2024
pp. 43- 60



*Contemporary Iranian
literature studies*
Vol. 1, No. 1, Spring 2024

Lexical Archaism in Simin Behbahani's Ghazals

Fereshteh Fathi¹

Abstract

The richness of the classical literature is still influential on today's literature in terms of lexicon and content. Antiquity is evident in the poetry of some contemporary modernists. This type of influence, which is called archaism in contemporary literary theories, is clearly evident in Simin Behbahani's sonnets. This study has investigated the aspects of lexical archaism in Simin Behbahani's sonnets with a descriptive-analytical method. Findings reveal that lexical archaism has many manifestations in Simin Behbahani's sonnets, the most important examples of which are: 1. common words, 2. court, civil and military words, 3. musical terms, 4. drinking terms, 5. special terms and names related to the mythology and ancient history of Iran, 6. ancient combinations, 7. archaism in the verb (simple verb, prefixed verb, compound verb, prayer verb, shortened form of verbs), 8. old sounds, and 9. antiquity in the use of letters. The process of lexical archaism in Simin Behbahani's ghazals has been skillfully implemented, as a part of the poet's concepts and thoughts have been conveyed to the audience through the ancient words of the Persian language, without making it difficult for the audience to understand her poetry. This antiquity, along with other features of Simin Behbahani's poetry, has caused her poems to have a personal and exclusive style.

Key words

Simin Behbahani, New Ghazals, Lexical Archaism.

1. M.A. of Persian Language and Literature, Faculty of Literature and Human Sciences, Urmia University, Urmia, Iran.

Email: fereshtehfathi88@yahoo.com